

سبک زندگی فاطمی علیها السلام

عبدالکریم بهجت پور^۱

چکیده

مناسب‌ترین سبک برای زندگی کردن چیست؟ سبک‌زندگی ریخت و شکل بیرونی زندگی افراد است که بر پایه باورها، ارزشها، عرفیات، آئین‌های رفتاری مورد پذیرش شکل می‌گیرد. در نهایت سبک‌زندگی برون‌داد همه این پیش‌زمینه‌ها در ریخت و تیپ زندگی افراد در ساحت‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و غیر آن است. پیدا کردن مناسب‌ترین سبک‌زندگی به پیدا کردن کامل‌ترین نوع زندگی برپایه بیشترین پیش‌زمینه‌های گفته شده دارد. فاطمه زهرا یکی از مناسب‌ترین سبک‌های زندگی را برای الگو شدن دارد. عمر کوتاه وی مانع از آن نشد تا ظرفیت‌های انبوه زندگی دینی در پرتو قرآن و سنت و درون مایه‌های شخصیتی خود را نمایان کند. آن حضرت در ابعاد و ساحت‌های مختلف اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی سبک مبتنی بر اصیل‌ترین باورها و ارزشها را از خود بروز داده‌اند.

واژگان کلیدی: سبک، سبک‌زندگی، اسلامی، الگو، اهل بیت، فاطمه زهرا علیها السلام

تعریف

«سبک» در لغت به طلا یا مانند آن گویند که در آتش گذاخته و در قالب ریخته شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵، ۳۱۷ و ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰، ۴۸۳). مراد از «سبک» ریختی است که به عنوان یک صنعت و برآیند از مجموعه داشته‌ها، دانسته‌ها، ارزش‌ها و باورها در زندگی فرد ظهور

می‌یابد. بنابراین وقتی از سبک‌زندگی سخن می‌گوییم به یک مدل رفتاری و آنچه از عملکرد فرد و مواجهه‌اش با پدیده‌های مختلف می‌بینیم، اشاره می‌کنیم؛ حال می‌خواهد این پدیده مطلوب یا اینکه مکروه باشد.

سبک‌زندگی اسلامی، یعنی کیفیت و شیوه‌ای از زندگی، رفتار، مواجهه با پدیده‌ها، ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خودش، ارتباط انسان با دیگران و ارتباط انسان با نعمت و هستی. سبک و ریخت مواجهه با این پدیده‌ها، منبعث از ارزش‌ها، بینش‌ها و دستورهای اسلامی است.

تفاوت سبک و سیره

«سیره» نزدیک‌ترین واژه به کلمه سبک می‌باشد. شاید تفاوت آنها در جنبه بررسی و نگاه ما به طریقه و منش و روش‌ها باشد. سیره رفتاری ویژه و مکرری است که شخص در وضعیت‌های مختلف به طور طبیعی انجام می‌دهد. سیره را مفرد و جمعش را سیر به معنای سُنّت، روش، هیأت، مذهب دانسته‌اند. «سیره الرجل»: روش و کردار مرد، چگونگی رفتار او با مردم. (فرهنگ ابجدی: ۳، ۲۸۳) طریحی اطلاق سیره بر غزوات رسول اکرم ﷺ را بدلیل امکان استخراج احکام از آن دانسته است: «لأن الأحكام المذكورة فيها متلقاة من سیر رسول الله ﷺ فی غزواته». (طریحی، ۱۴۰۸: ۳، ۳۴۰). اما در سبک، نگاه به مبادی و مواد است یعنی ریختی که ایشان از مواد و مبادی دین در رفتارشان اشراب کرده است. به عبارت دیگر سبک همان سیره است به علاوه توجه به مبادی که باعث ظهور این سیره شده است. بر خلاف سیره که به نفس عمل و رفتار فرد توجه می‌کند.

اهمیت گزاره‌های دینی در سبک‌زندگی

در اهمیت انسجام شاخص‌های زندگی و برون‌دادهای مایه‌ور و مانا از زندگی بر اسلام مکتب و آئین تردیدی وجود ندارد. بی‌تردید یکی از کارآمدی‌های دین تأثیرگذاری بر شیوه زندگی است. اگر انسان را با چهار رابطه میان خود با خود، با خدا، با دیگران و با هستی بشمار آوریم؛ هر چند این روابط چهارگانه از عادات، رسوم، وراثت و اجتماع و استعداد های درونی رنگ می‌گیرد اما مسلماً یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار را باید دین شمرد. دین کامل و جامع برای هدایت بشر در هر چهار رابطه است. البته همه ادیان الهی به طور عام و به خصوص دین اسلام در این چهار رابطه تنظیم رابطه انسان با خدا را اساسی‌ترین رابطه قلمداد می‌کنند. تا در پرتو تنظیم این رابطه دیگر روابط انسان با خود دیگران و طبیعت و هستی سامان یابد.

قرآن در این باره فرموده است: «لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ..»؛ «و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید:] «خدا را بپرسستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید.» پس، از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است... (نحل / ۳۶). بررسی آیات نشان می‌دهد که دعوت به توحید بندگی اولین و پایه‌ای‌ترین دعوت ادیان الهی می‌باشد. (ر.ک. قرآن مجید درباره نوح سوره‌های اعراف / ۵۹، مؤمنون / ۲۳؛ درباره ابراهیم سوره عنکبوت / ۱۶؛ درباره هود سوره‌های اعراف / ۶۵، هود / ۵۰؛ درباره صالح سوره‌های اعراف / ۷۳، هود / ۶۱ و نمل / ۴۵؛ درباره شعیب اعراف / ۸۵، هود / ۸۴ و عنکبوت / ۲۶). تعبد رنگ الهی به همه ساحت‌های زندگی می‌زند و انسان متعبد سبکی از زندگی را بروز می‌دهد که از بندگی و اطاعت پروردگار متعال و مهربان رنگ گرفته است: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»؛ «این است نگارگری الهی و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟ و ما او را پرستندگانیم» (بقره / ۱۳۸).

این قابلیت دین در شکل دهی به شیوه‌های زندگی ایجاب می‌کند تا با توجه به گزاره‌های موجود در منابع دینی سبک‌زندگی مردم سامان گیرد. و با معیار آن درباره درستی و نادرستی یا ناقص و کامل سبک‌های زندگی داوری شود. می‌توان رابطه سبک‌زندگی با دین را به صنعت تشبیه کرد. صنعت بر پایه دانایی و هنر ابداع می‌شود. هر یک از مصنوعات کوچک و بزرگ انبوهی از دانش‌های مترام گذشته را گرد آورده است. مخترع بر بنیان دانش‌های گذشته و با هنرمندی دست به ابداع و تکنولوژی زده و در نهایت نوعی مصنوع فراهم می‌آورد که مورد استفاده قرار می‌گیرد. سبک‌زندگی اسلامی نیز مصنوعی برآمده از پیش‌زمینه‌های متعدد و تو در تو است که یکی از مهم‌ترین آنها دین و ارزش‌های دینی و انسانی است.

اهمیت الگوها در سبک‌زندگی

برای مردم امکان شکل دادن سبک بر اساس امور انتزاعی و یا مفهومی کاری بسیار سخت است. به همین خاطر تلاش می‌شود تا با معرفی الگوهایی این راه هموار شود. مردم در پرتو الگوهای موفق مواجه با بروندادی روشن و ساده شده از دین و ارزش‌های گوناگون آن و چگونگی تعامل سازنده میان مبادی و منابع سبک‌زندگی می‌شوند. در قرآن این شیوه ساده سازی را در آیات متعدد شاهد هستیم. بخش زیادی از آیات قرآن و گاه تمام محتوای یک سوره به مجموعه سبکی از رفتار یکی از الگوهای مثبت یا منفی اختصاص یافته است. و مقاطعی حساس از زندگی مردم دینمدار و معاندان آنها در قالب آیاتی از قرآن ترسیم شده‌اند. نمونه بارز گذر از مفاهیم ذهنی به نمونه‌ها و سبک‌ها را در آیات ۶ و ۷ سوره حمد شاهد هستیم. در

سوره حمد ابتدا از زبان مردم متعبد و نیازمند به هدایت تقاضا می‌شود تا خدا راهنمای آنها به راه مستقیم باشد. اما راه مستقیم مفهومی ذهنی و نظری و فاقد معیارها و سنجه‌های قابل فهم و تصالح همه مردم است. از این رو در تقاضای مجدد از خدا راه مستقیم را تبدیل به راه کسانی که بر آنها نعمت داده می‌کند تا با روشن کردن الگویی عینی و عملی از اهل راه مستقیم مراد خود را روشن کرده باشد: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»؛ «راه آنهایی که برخوردارشان کرده‌ای، همانان که نه درخور خشم‌اند و نه گمگشتگان» (ر. ک. بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۱، ۱۱۲)

اهل بیت علیهم‌السلام نمایندگان سبک‌زندگی الهی

«اهل بیت علیهم‌السلام»، کامل‌ترین شناخت را به دین اسلام داشته‌اند و آن را به طور کامل در خود پیاده کرده و تبدیل به انسان کامل شده‌اند. از این رو، کامل‌ترین سبک‌زندگی اسلامی را ظهور داده‌اند و مدل جامع سبک مورد انتظار دین را بروز می‌دهند. افزون آنکه رفتار آنها چنان نهادینه و تثبیت شده که با نگاه به آن می‌توانیم به ارزش‌ها، خواست‌ها و بینش‌های اسلامی دست پیدا کنیم و بگوییم ارزش و خواست اسلامی، اینگونه تجلی پیدا می‌کند.

اگر سبک، مطابق دریافت بالا معنا شود، آنگاه می‌توانیم پیرامون هر رفتار، از زوایای مختلف، مطالعه کنیم. به همین دلیل، حادثه عاشورا، هر چند زمانی بسیار محدود از روزگار را به خود اختصاص داده، اما حدود ۱۴۰۰ سال است که مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، چون ما می‌توانیم این رفتار را، چه در رفتار حسین علیه‌السلام و یاران وی و چه در رفتار دشمنان حسین علیه‌السلام و غافلان و جاهلانی که دشمنان حسین علیه‌السلام را همراهی کردند از نظر بینشی، اخلاقی، اجتماعی، تاریخی و ریشه‌شناسی تحلیل کنیم.

با این رویکرد، ملاحظه می‌شود که شخصیت هر یک از اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان آینه تجلی بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتار شایسته دینی به حساب آورد و از این منظر به بررسی پرداخت. از جمله معصومان اهل بیت، حضرت زهرا علیها‌السلام است که سبک‌زندگی تجلی کامل آموزه‌های دینی و آینه تمام‌نمای اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. زهرا علیها‌السلام مرضیه عمری کوتاه داشتند؛ اما موضع‌گیری‌ها و رفتاری که در مسائل مختلف از خود نشان دادند به خوبی می‌تواند پل عبور ما به چگونگی تجلی دادن آموزه‌های اسلامی در منش و روش زندگی باشد. از این رو در نوشته حاضر به بررسی و درنگ در سبک‌زندگی فاطمی علیها‌السلام پرداخته‌ایم.

الگو بودن سبک زندگی اهل بیت

وقتی می‌گوییم سبک زندگی فاطمی نمی‌خواهیم بگوییم این سبک، مخصوص حضرت فاطمه است و دیگران نمی‌توانند شریک سبک ایشان شوند. اگر سبک زندگی هر کسی مخصوص خودش بود به طور طبیعی، مطالعات سبک شناسی و نیز تلاش برای معرفی این سبک و دعوت دیگران به آن هم معنا نداشت.

وقتی از سبک‌های زندگی اهل بیت سخن می‌گوییم، تلاشمان بر این است که جنبه‌های مشترک و قابل تحصیل را جلوی روی مردم بگذاریم و به آنها بگوییم شما می‌توانید به آن قله رفیع برسید. حال اگر بتوانیم جنبه مشترک سبک زندگی اهل بیت را مورد توجه قرار دهیم و آن جنبه ویژه مخصوص اهل بیت که برخاسته از معصومیت است را استثنا کنیم، می‌توانیم ویژگی‌های سبک زندگی اهل بیت را به دنیا معرفی کنیم و بیان کنیم که انسان‌های کامل با این داشته‌ها و آموزه‌های دینی به این سبک زندگی کردند و چون آموزه‌های مذکور مشترک میان ماست، امکان تکراری سبکی شبیه به سبک زندگی آنها ممکن است مشروط به آن‌که از هدایت‌های دینی با چشمانی باز و عزمی استوار برای رساندن خود به آن سبک مطلوب بهره‌گیری کنیم.

الگو بودن اهل بیت در همه جنبه‌ها

در بررسی سبک زندگی افراد ممکن است گاهی همه بخش‌های مربوط به سبک زندگی آنها در عرصه‌های مختلف، قابل توصیه باشد و گاهی نیز فقط در بعضی از جنبه‌ها قابل تأسی و الگو پذیری باشند. مثلاً هنگامی که خدای متعال می‌فرماید: پیروان حضرت ابراهیم اسوه هستند، وجه الگو بودن آنها در این است که وقتی دیدند قوم آنها از شرک دست برنمی‌دارند، از آنها برائت جستند. بنابراین، سبک زندگی دینی و برائت آنها از کفار و مشرکان (هر چند از بستگانشان باشند) مورد توصیه خداوند متعال بوده است نه همه وجوه سبک زندگی آنها.

بهترین و بی‌دغدغه‌ترین سبک‌ها معمولاً آن‌هایی هستند که جامعیت لازم را داشته باشند و این از افتخارات شیعه است که سراغ انسان‌های کامل رفته که الگو بودنشان و امکان طراحی سبک زندگی‌شان برای ارائه به دیگران و برای خودمان جامع است. یعنی وقتی در زندگی حضرت زهرا مطالعه می‌کنیم هیچ کس ابعاد اسوه بودن زندگی وی را محدود به چند بخش نکرده است. مثلاً ادعا نشده که وی تنها در دفاع از امامت و ولایت، اسوه است، در بخش سیاست، اسوه است یا در بخش علم آموزی، بلکه ایشان در همه ابعاد، الگو هستند؛ چون همه ظرفیت‌هایی را که یک انسان کامل می‌توانسته بروز دهد، حضرت زهرا مرضیه در خودشان بروز دادند بنابراین

همه ابعاد زندگی ایشان را میشود به عنوان الگوی سبک‌شناسی، مطالعه و به دیگران توصیه کرد.

زنان الگو

اسلام، تنها دینی است که از زن به عنوان اسوه یاد کرده است. در این میان قرآن کریم، به شخصیت برجسته گروهی از زنان پرداخته و به صراحت اسوه و الگو بودن آنها را بیان نموده است، برخی از این زنان نمونه و مجسمه ایمان یا کفر شمرده شد و برخی مانند مریم علیها السلام، مادر حضرت عیسی علیه السلام و آسیه همسر فرعون، به عنوان اسوه ایمانی همه انسان‌ها معرفی شده‌اند. (تحریم/ ۱۱-۱۲) همچنان‌که اراده منفی و مقاومت دو تن از همسران انبیا (نوح و لوط) در برابر ایمان، نمونه کفرپیشگی همه کافران تلقی گردیده است. (تحریم/ ۱۰) قرآن در حالی مریم علیها السلام را سرور زنان جهان و الگوی انسان‌ها معرفی می‌کند که مسیحیان در باکره بودن، تقدس، فرزندان بودن و عروج وی به همراه حضرت مسیح علیه السلام، اختلاف نظر دارند (ر.ک: برانتل، ۱۳۸۱؛ براون و کالین، ۱۳۷۵: ۲۵-۳۳) و با استناد به گفته‌های موجود در انجیل‌های مرقس (کتاب مقدس، ۱۳۸۰: اسحاح ۶، ۳-۲؛ یوحنا، اسحاح ۹، ۳؛ متی، اسحاح ۱۲، ۲۷-۲۶)، یوحنا و متی، بیشترین توجه خود را به رد یا قبول دوشیزگی و تقدس مریم اختصاص داده و از نقش اجتماعی و الگو بودن وی سخن به میان نیاورده‌اند. اما اسلام او را الگویی جامع برای همه مردان و زنان مؤمن قرار داده است. از منظر اسلام، اسوه بودن، به مردان اختصاصی نداشته و برخی از زنان نیز به عنوان اسوه و الگو معرفی شده‌اند که حضرت زهرا علیها السلام از برجسته‌ترین آنها به لحاظ علمی، ایمانی، اجتماعی، عبادی و همه ابعاد وجودی است. (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۳۳۷)

افزون بر آیاتی که درباره فضیلت و مقام والای آن حضرت علیها السلام فرود آمده (ر.ک: آل‌عمران/ ۶۱؛ انسان/ ۲۲-۵؛ کوثر/ ۱)، آیات بسیاری نیز به معرفی نیکان و صالحان پرداخته است که به تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان مصداق برتر آیه‌های مزبور شمرده شده‌اند. (دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳: ۲، ۳۴۸ - ۳۲۳) همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در مقایسه جایگاه فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام را سرور زنان عالم در همه زمان‌ها و مریم علیها السلام را سرور زنان عالم در زمان خود معرفی کرده‌اند. (دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳: ۲، ۵۳ - ۳۶) اسوه‌پردازی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، توسط امامان معصوم علیهم السلام نیز، ادامه یافت (صدوق، ۱۴۱۷: ۱۸۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱، ۶۱۸)؛ چنانکه امام زمان علیه السلام در توقیع و دستنوشته‌ای فرموده‌اند: دختر رسول خدا برای من، اسوه و الگویی نیکوست. (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲، ۲۷۹)

حضرت فاطمه علیها السلام، اسوه کامل

بررسی سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره جایگاه و شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام و توجه ویژه علی ع، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، صحابه و دانشمندان مسلمان به جایگاه و سخنان آن حضرت و استفاده از گفته‌ها و سیره عملی ایشان، دلالت بر آن دارد که از نظر اسلام، زهرا علیها السلام الگوی کامل، جامع و اختصاصی زنان مسلمان در همه اعصار است. کسب این مقام، نتیجه شایستگی‌ها و موقعیت‌سنجی‌های این بانوی بزرگ است.

حضرت فاطمه علیها السلام با وجود عمر کوتاه، افزون بر الطاف ویژه الهی، مانند برخورداری از عصمت، از همه فرصت‌ها و زمینه‌ها نیز به شایستگی بهره گرفت؛ ایشان زیر نظر پدری چون حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر، معلم و مربی بشریت (جمعه ۳-۲)، در دامن پر مهر مادری چون حضرت خدیجه علیها السلام، یکی از برترین زنان عالم، تربیت یافت؛ او همسر علی علیها السلام نخستین مرد مسلمان بود؛ کسی که خود پرورش یافته پیامبر صلی الله علیه و آله، بزرگ‌ترین پشتیبان آن حضرت و دروازه ورود به شهر دانش به شمار می‌رود (فرات کوفی، ۱۴۱۲: ۶۴، ۶۵)؛ حضرت فاطمه علیها السلام بخش مهمی از دوران زندگی خود را در کنار علی علیها السلام، همسر و همراه خود گذراند؛ همسری که بزرگ‌ترین، راسخ‌ترین، با بصیرت‌ترین و خاص‌ترین فرد، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بود و خود، با دردها، رنج‌ها و مسئولیت‌های بزرگی را بر دوش می‌کشید؛ زندگی در کنار پدر و همسری این‌گونه و رویارویی همیشگی با بحران‌ها و سختی‌ها و استقبال فاطمه علیها السلام از چنین زندگی ویژه‌ای، به سرعت جایگاه او را به لحاظ بلوغ فکری، علمی، معنوی، عاطفی، خانوادگی و اجتماعی برای مسلمانان آشکار نموده و ایشان را به مثابه برترین زن اسوه جهان معرفی نمود. همراهی حضرت زهرا علیها السلام با پدر و همسر خویش در بحبوحه سختی‌ها و مرارت‌ها، زمینه‌ساز اسوه بودن سبک زندگی وی شد؛ چنان‌که بسیاری از اسوه‌های دیگر قرآنی نیز در وضعیت سخت و دشوار، به کمال اسوه بودن رسیدند. (ر.ک: مریم / ۲۹-۱۶؛ طه / ۴۱-۲۴؛ قصص / ۴۰-۷؛ تحریم / ۱۲-۱۱) بدین ترتیب فاطمه علیها السلام همه استعدادها و ظرفیت‌های وجودی خود را در چارچوبی دینی و زیر نظر پدر و همسرش به کمال و توازن رساند، و آن‌ها را در بخش‌های گوناگون زندگی خود بروز داد. با توجه به تعبیر گوناگون پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت فاطمه علیها السلام از جمله اینکه وی را پاره تن خود (مسلم نیشابوری: ۷، ۱۴۱؛ اربلی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۷۳) و سرور زنان همه جهان از آغاز تا انجام (احمدبن حنبل ۱۴۱۰: ۶، ۲۸۲، صدوق، ۱۴۱۷: ۱۸۷) معرفی کرده و او را برتر از مریم علیها السلام دانسته‌اند (قرطبی ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۴، ۱۸۹۵) می‌توان دریافت که سبک زندگی فاطمه علیها السلام در تمامی ابعاد، الگوی زنان مسلمان به شمار می‌رود؛ زیرا همه استعدادهای وی در همه گستره‌های فردی (اخلاقی و معنوی)، خانوادگی (فرزندی، همسری و مادری) و اجتماعی (آموزشی، تربیت سیاسی و اقتصادی) به صورت هماهنگ شکوفا گردید. بی‌تردید چنین سبکی قابلیت پیروی را دارد. فاطمه علیها السلام در درون

خویش به جریان فکری و روحی عمیقی دست‌یافته و به پایگاه شناختی، اعتقادی، روحی و رفتاری درستی براساس تعالیم و آموزه‌های دین رسیده بود؛ ایشان در نهاد تربیت‌یافته خود، خدا، هستی، جهان، جامعه و تاریخ، راه کمال و سعادت و پیام‌آوران الهی را شناخته، دیانت حق را پذیرفت و به آن ایمان آورد و سلوک خویش را بر پایه این خودآگاهی‌ها، شناخت‌ها، باورها، اخلاقیات و ایمان شکل داد؛ وجهه انسانی این بانو، در رویکردی «شناختی»، «ایمانی» و «رفتاری» وی تجلی یافت (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۲) فاطمه علیها السلام تمام ابعاد را که برای زن یا انسان کامل، تصور می‌شد، در خود بروز داده و جلوه‌های ملکوتی، الهی، جبروتی، ملکی و ناسوتی را در خود فراهم آورد. (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۷، ۳۳۷)

دو ویژگی مهم در سبک‌زندگی حضرت زهرا علیها السلام

آن حضرت دو ویژگی دارد که وقتی کنار هم گذاشته می‌شوند، در کنار فرصتی که به دستشان آمد، از ایشان شخصیتی ساخت که می‌توان سبک‌زندگیشان را به عنوان سبک و مدل و الگو برای دیگران عرضه کرد. یکی اینکه حضرت زهرا علیها السلام از نظر بینش، شناخت و ابعاد فہمی معارف دین، نه تنها دانشمند بلکه حکیم بود؛ یعنی مجموعه این دانش‌ها را گرد آورده، قالب داده و پخته کرده بود و بعد بر اساس مجموعه دانسته‌ها، بینش‌ها و خواست‌های متعالی که در دین فرا گرفته بود و مجموعه شناختی که از خدا، هستی، جهان، جامعه، تاریخ، راه کمال و سعادت، پیامبران الهی، کتب آسمانی و فرشتگان، با هم گرد آورده بود، به حکمت فاطمی رسیده بود. در تعبیر قرآن: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۲۲) آمده است. اینها از راه احسان به نقطه‌ای رسیده‌اند که خدا به آنها حکمت می‌دهد؛ یعنی همه دانشش به سرعت در مواجهه با یک پدیده، به رویش می‌رسد و بر اساس آنها به سرعت می‌تواند به تصمیم برسد و نظر قطعی پیدا بکند.

حکیم نظر آخر را می‌دهد و تردیدی ندارد. حکیم در مواجهه با پدیده، به سرعت به آن جنبه حق می‌رسد؛ هر چند حق مخفی باشد. باطل را کنار می‌زند و فریفته آن نمی‌شود؛ هر چند باطل، بسیار زینت شده باشد.

یکی از دلایلی که می‌شود سبک حضرت زهرا علیها السلام را شناخت و به دیگران شناساند و توصیه کرد، دقیقاً این است که ایشان در نقطه حکمت نشستند و حکیمانانه به مسائل نگاه می‌کنند. از منظر حکمت نگاه کردن، قدرت می‌دهد که انسان، رفتار و شیوه و منشی را نشان دهد که به صورتی کاملاً سازگار و هماهنگ باشد.

ویژگی دوم ایشان موقعیت‌شناسی و استفاده از موقعیت‌های پیش‌آمده است. آن حضرت

از فرصت‌های داده شده به ایشان، کمال استفاده را کرد. ایشان در کانون تحولات، فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌ها قرار گرفت؛ یعنی هر آنچه را زمینه‌ای برای ورود به عرصه‌های عمیق و نو و به اصطلاح، درگیری در سطوح عالی است، در زندگی حضرت زهرا^{علیها السلام} مشاهده می‌فرمایید. ایشان دوران سخت تنهایی و دوره اولیه پیامبر^{صلی الله علیه و آله} را پشت سر می‌گذرانند، سپس در دوره‌ای که پدرشان حاکم و رهبر مورد استقبال مردم است قرار می‌گیرد؛ در وضعیتی که سخت‌ترین درگیری‌های نظامی و ترکیب‌بندی اجتماعی، سیاسی یا مذهبی در مینه شکل می‌گیرد، یا معاهداتی که نوشته می‌شود یا شکسته می‌شود، حضور دارد؛ همچنین دوره‌ای را که افرادی ایمان ظاهری را اظهار می‌کنند و افرادی کاملاً خود را فدای راه پدر آن بانو و فدای راه اسلام می‌کنند درک می‌کند.

حضرت زهرا^{علیها السلام} در زمان حیات پدرشان در کانون مهم‌ترین مسایل جامعه بود و بعد از ایشان نیز با مسئله غصب خلافت مواجهه شدند. نکته مهم این بود که ایشان از همه این فرصت‌ها استفاده و در همه این درگیری‌ها و چالش‌ها سهم و فرصت خویش را ایفا کرد. با لحاظ این دو ویژگی می‌توانیم وارد سبک‌شناسی آن حضرت شویم.

معاصر سازی اسوه‌ها

معرفی روزآمد اسوه‌های تاریخی، اقدامی بایسته است؛ از این رو سبک‌شناسان باید برای فهم و ارائه سبک‌ها و سیره‌های قابل اقتدا، آن‌ها را به شکل روزآمد و معاصر، تبدیل کنند؛ در غیر این صورت با وجود الگوهای مناسب تاریخی، به دلیل ضعف پژوهشگران، چنین الگوهایی از قابلیت به روز شدن برخوردار نخواهند شد؛ برای جبران این کاستی، در منابع دینی راهکارهایی پیش‌بینی شده است که از جمله آنها می‌توان به ضرورت پیوند دادن سبک‌زندگی کهن با زندگی معاصران اشاره نمود؛ به این معنا که رویکرد به سیره و سبک‌زندگی شخصیت‌های تاریخی به گونه‌ای باشد که بررسی رویدادهای تاریخی و مطالعه سیره معصومان^{علیهم السلام} و شخصیت‌های بزرگ، هویت تاریخی و شخص محور به خود نگرفته، بلکه بر مدار زندگی انسان معاصر باشد. (ر.ک: پسندیده، ۱۳۸۷: ۱۲۰ - ۱۱۸)

رویکرد معاصر سازی در قرآن نیز مشهود است؛ برای مثال، خداوند در دومین سوره مکی، آنجا که می‌خواهد به پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} نسبت به بی‌شکویی در برابر تکذیب‌ها و مخالفت‌ها هشدار دهد، به ماجرای یونس^{علیه السلام} اشاره کرده و تنها آن مقدار از حوادث زندگی یونس را نقل می‌کند که در آن مقطع خاص از رسالت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} ضروری است: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ...» (ر.ک: قلم/ ۵۰-۴۸). دقت در این روش قرآنی حاکی است که در گزارش الگویی سیره‌ها باید از زندگی تربیت‌پذیران و جامعه، موضوع تغییر عناصر متناسب

با دوران معاصر را استخراج نموده و برای پاسخ به جنبه الگویی آن، به سیره و تاریخ اسوه‌های دینی و تاریخی مراجعه نمود؛ بنابراین، الگوپذیری از حضرت زهرا[ؑ] نیز با شناخت سبک‌زندگی و سیره وی آغاز نخواهد شد؛ بلکه با شناسایی نیازهای معاصر، آغاز شده و با ایجاد پیوند با سبک و سیره آن حضرت به کمال می‌رسد؛ در اینجا نمونه‌ای از این معاصرسازی و اسوه‌پردازی صحیح از سبک‌زندگی و سیره حضرت زهرا[ؑ] را توضیح می‌دهیم:

جمع میان کار در خانه و فعالیت‌های اجتماعی (غیر از اشتغال) یکی از دغدغه‌های امروز بخش وسیعی از بانوان است. سیره حضرت زهرا[ؑ] حاکی است که وظیفه مادری، تنها شيردادن به فرزند، نظیف و نگهداری خانه و مراقبت از کودکان نبوده، بلکه بزرگ‌ترین نقش یک مادر مسئول و متعهد، تربیت اجتماعی و سیاسی کودکان است. چنان‌که حضرت زهرا[ؑ] فرزندانش را به مسجد می‌فرستاد و در همه صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی خود، مانند رفتن به در خانه مهاجران و انصار و نیز زیارت قبر پیامبر^ﷺ، حمزه و قبور شهدا و رفتن به بیت‌الاحزان، آن‌ها را با خود همراه می‌کرد. (مزمّل / ۱۶-۱۵) تربیت دینی، سیاسی و اجتماعی کودکان نیازمند دانایی، اطلاع کافی از مسایل مربوط به این حوزه‌ها، حضور یافتن در متن جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نیز، آگاهی، بصیرت و تحلیل درست مسایل گوناگون است؛ بنابراین برای آنکه مادر بتواند در کانون خانواده، فرزندان را متناسب با نیازهای اجتماعی و معاصر تربیت کند، بایسته است که خود به اندازه کافی در کانون این رویدادها و مباحث حضور داشته باشد؛ بدین ترتیب به هر میزان که زنان در متن حوادث حضور داشته باشند، قدرت توان‌افزایی و تربیت دینی، اجتماعی و سیاسی فرزندان فزونی می‌یابد.

ابعادی از سبک‌زندگی فاطمی

زندگی حضرت زهرا[ؑ] را می‌توان به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم کرد، جنبه اجتماعی را نیز می‌توان به دو بخش خانواده و اجتماع تقسیم کرد و با بررسی رفتار ایشان در هر بخش، سبک‌زندگی آن حضرت را کشف نمود.

سبک‌زندگی فردی

سبک‌زندگی وی در امور گوناگون زندگی نشان از منش و شخصیت والای آن حضرت دارد. نوع مواجهه و برخوردی که انسان با پدیده‌های اطرافش می‌کند و شهامت و قدرت مواجهه با مشکلات و معضلاتی که در زندگی فردی، خانوادگی و یا اجتماعی پدید می‌آیند، نشان از شخصیت درونی افراد دارند.

مطالعه در زندگی حضرت فاطمه ﷺ نشان از لایه‌هایی از شخصیت وی می‌کند که توجیه‌گر چرایی انتخاب این سبک‌ها بشمار می‌روند. در اینجا نمونه‌هایی از انواع تجلیات شخصیت این بانو را در سیره و سبک وی گزارش می‌دهیم:

۱ - ۱. رابطه با خود

۱ - ۱ - ۱. اعتقاد راسخ به معاد: صدیقه کبری ﷺ درباره معاد به مراتب یقین رسیده بود. سیره او در این خصوص، بر اظهار خوف و ترس از روز قیامت و نیز امیدواری به فضل الهی استوار بود، که در قالب مناجات و دعا به پیشگاه الهی عرضه شده است. حضور حضرت بر مزار درگذشتگان و اقامه نماز و عزاداری و گریه بر آنان، علاوه بر اینکه سیره حضرت را در زیارت اهل قبور نشان می‌دهد، حاکی از اعتقاد راسخ آن حضرت به معاد است. وصیتنامه آن حضرت، نمونه دیگری از یاد مرگ و جهان آخرت است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳، ۱۹۲ - ۱۹۱) از نکاتی که در وصایای حضرت ﷺ بر آن تأکید شده، سفارش به همسرش مبنی بر کثرت تلاوت قرآن و دعا بر سر مدفن وی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۹، ۲۷) که بیانگر سیره حضرت و بازماندگان وی در یادکردن درگذشتگان، و یادآور نیاز آنان به احسان زندگان است.

۱ - ۱ - ۲. تعبد و اطاعت محض از خدا: سیره حضرت فاطمه ﷺ، بر تعبد و اطاعت محض از دستورهای خدا و رسول ﷺ بود (طبرسی، ۱۳۹۲: ۹۵ - ۹۴)، تاحدی که آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور/۶۳) نازل شد. فاطمه ﷺ برای اطاعت از آیه، پیامبر ﷺ را «یا رسول الله» خطاب کرد، اما پیامبر ﷺ وی را از این کار منع نمود و خطاب الهی را متوجه وی و فرزندانش ندانست و گفت مرا پدر خطاب کنی، مایه شادی قلب من و رضایت خداست. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳، ۱۰۲). هنگامی که خداوند دستور داد در خانه‌هایی که به مسجد باز می‌شود، ببندند، فاطمه به همراه فرزندانش، حسن و حسین ﷺ، بیرون خانه منتظر دستور پیامبر ﷺ نشست. رسول خدا به آنان گفت که شما جان پیامبرید و از این دستور مستثنا هستید. (تفسیر منسوب به امام عسگری ﷺ، ۱۴۰۹: ۱۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ۳، ۲۳)

۱ - ۱ - ۳. رضا و توکل: سیره خاص حضرت فاطمه ﷺ، رضا به رضای خدا و توکل بر خدا و تسلیم در برابر مشیت‌های او بود. لذا، همه سختی‌های زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی خود را، چون خواست الهی و در مسیر نیل به قرب او می‌دید، بدون اعتراض و شکوه، تحمل می‌کرد و حتی اظهار رضایت می‌نمود. از این رو، هنگامی که رسول خدا ﷺ پیش از به دنیا آمدن حسین ﷺ، خبر شهادت او را داد، فاطمه ﷺ از رضایت به قضای الهی گفت و از این طریق،

رضای خود را به قضای الهی نمایان ساخت. (کلینی، ۱۳۶۳: ۱، ۶۶۴؛ ابن قولویه قمی، ۱۴۱۷: ۱۲۴) آنگاه که رسول خدا ﷺ فاطمه را دید که لباسی از پشم شتر پوشیده و مشغول آسیاب کردن است و فرزندش را نیز شیر می‌دهد، با چشمان اشک‌بار به وی توصیه فرمود که تلخی دنیا را برای نیل به شیرینی آخرت بچشد، فاطمه با شکر و سپاس، تسلیم بودن و رضای خود را در مقابل تقدیر الهی اظهار کرد. (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱۱۷ و ۲۳۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳، ۱۲۰)

۱ - ۱ - ۴. صبر: صبر از فضایل اخلاقی است که در متون دینی بر آن تأکید بسیار شده و بندگان صالح الهی، به ویژه پیامبران، به داشتن آن وصف شده‌اند. (آل‌عمران/ ۱۴۶) در بیان پیامبر ﷺ، این فضیلت اخلاقی، جزئی از ایمان است (احمد بن حنبل: ۴، ۳۸۵؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۵، ۲۵) در سیره حضرت زهرا، صبر جایگاهی خاص دارد. عمر کوتاه آن حضرت پر از سختی‌ها و مصائبی بود که جز با صبر فوق‌العاده، نمی‌توانست بر آن فائق آید و همچنان مسیر هدایت را بپیماید. رسول خدا ﷺ نیز، با توجه به مشکلاتی که در آینده متوجه خاندانش می‌شد، حضرت فاطمه را به صبوری سفارش می‌کرد و به نقل از جبرئیل، به او خبر داد که مصائبی فراتر از همه زنان مسلمان، خواهی داشت، پس صبر تو نیز باید فراتر صبر همه آنها باشد. (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۱۲، ۲۵۱) لذا در یکی از زیارتنامه‌های آن حضرت، به ایشان «سربلند بیرون آمده از امتحان صبر» خطاب شده است. (مفید، المزار، ۱۴۱۴: ۱۷۸)

این آزمون مربوط بود به مشکلات اقتصادی و مصائبی که پس از رحلت پیامبر ﷺ پدید آمد. فاطمه پابه‌پای رسول خدا ﷺ، زندگی خویش را متناسب با فقیرترین افراد جامعه کرده بود و گاه گرسنگی چند روزه را تحمل می‌کرد، اما سخنی نمی‌گفت که نشان از نارضایتی و شکوه از همسر یا پدرش باشد. (طوسی، الامالی، ۱۴۱۴: ۱۸۵)

۱ - ۱ - ۵. سادگی و پوشش: حضرت فاطمه دو ویژگی سادگی و پوشانندگی را در پوشیدن لباس مراعات می‌کرد. وصله‌های چادر فاطمه که سبب اظهار شگفتی سلمان فارسی شد. (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۲۷۵) و بلندی و پوشاننده بودن چادر حضرت هنگام رفتن به مسجد برای احتجاج با ابوبکر (مغربی، ۱۳۸۳: ۳، ۳۴؛ ابن طیفور، ۱۲، ۱۵؛ طبری امامی، ۱۴۱۵: ۱۱۱)، نمونه‌هایی از سیره حضرت در پوشش و لباس است.

۱ - ۱ - ۶. بهداشت: حضرت فاطمه در امور بهداشتی، به سنت رسول خدا ﷺ و دستور اسلام عمل می‌کرد که نظافت را از ایمان شمرده است. (مجلسی، ۵۹، ۲۹۱) سخن امیرالمؤمنین

در وصف فاطمه علیها السلام، مبنی بر جارو زدن خانه (سجستانی، ۲، ۴۸۹؛ صدوق، علل الشرایع، ۱۳۸۵: ۲، ۳۶۶؛ همو، الفقیه، ۱۴۰۴: ۱، ۳۲۱)، بیانگر پای بندی حضرت علیها السلام بر بهداشت و مشارکت مستقیم ایشان برای نظافت خانه است.

۱ - ۲. رابطه با دیگران

سبک زندگی خانوادگی حضرت فاطمه علیها السلام گویای روش و منش متأثر از دین و تربیت دینی اوست. آن حضرت واجد شخصیت اخلاقی بالایی در این باره شده بود که در سبک زندگی تجلی یافته بود. توان در ابراز علاقه به والدین و پر کردن خلاء های عاطفی مادر در غیاب او و نیز ایجاد محیط گرم و دلچسب برای همسرش و گرم نگهداشتن کانون خانواده و خانه برای رشد و تربیت فرزندان ابعادی از شخصیت این زن بزرگ است که بخش هایی از تأثیر آن در تاریخ و سیره منعکس شده است:

۱ - ۲ - ۱. والدین: در زندگی خانوادگی، انسان با پدر، مادر، همسر، فرزندان و خویشان نسبی و سببی در ارتباط است. چون رفتار حضرت فاطمه علیها السلام برگرفته از کتاب و سنت بود، چگونگی رفتار او با خانواده برای همه نسل ها آموزنده و الگوست.

حضرت فاطمه علیها السلام از نعمت وجود پدری همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و مادری همچون خدیجه علیها السلام برخوردار بود. هرچند دوره ی درک زندگانی مادر برای فاطمه علیها السلام بسیار کوتاه بود و در حدود پنج سالگی، مادرش را از دست داد، اما حتی سال ها پس از رحلت خدیجه علیها السلام نیز از فضایل او یاد و از او دفاع می کرد. فاطمه علیها السلام منزلت مادر را بسی والا، و خدمت به او را لازمه ی رسیدن به بهشت می دانست. (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۶، ۶۶۲) نحوه ی برخورد فاطمه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله با یکدیگر و ابراز محبتشان به هم، بی نظیر بود. محبت خاص بین آن دو، ریشه در محبت الهی داشت؛ فاطمه علیها السلام در وجود پدر، به عنوان آخرین سفیر الهی، سیمای محبوب ترین بنده ی خدا را می دید و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از فاطمه علیها السلام بوی بهشت را استشمام می کرد (صدوق، ۱۳۸۵: ۱، ۱۸۳) و در میان دخترانش، او را بهترین معرفی می نمود و مصیبت هایی را که وی در راه دین و پیامبر صلی الله علیه و آله متحمل خواهد شد، یادآوری می شد. فاطمه علیها السلام به هیچ وجه طاقت ناراحتی و حزن پدر را نداشت. در دوران سخت مکه، هنگامی که مشرکان، محتویات شکم شتر را بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله ریختند، درحالی که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می گزارد، فاطمه علیها السلام با وجود سن کم، به پاک کردن آلودگی از دوش پدر و ملامت مشرکان پرداخت و ابوطالب را با خبر کرد. در نوبتی دیگر، هنگامی که در حجر اسماعیل بود، سخن مشرکان را شنید که تصمیم به ضرب و شتم رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند، بلافاصله پدر را باخبر ساخت

و پیامبر ﷺ به او آرامش داد. در بازگشت از یکی از جنگ‌ها، فاطمه ﷺ به محض دیدن پدر، شروع به بوسیدن چهره‌ی او و چشمانش کرد و گریست، و سبب گریه خود را مشاهده‌ی چهره غبارآلود و خسته و لباس پاره‌ی پیامبر ﷺ ذکر نمود و پیامبر، برای آرام کردن او، گفت که رسالت من اتمام حجت بر مردم است که با آن، گروندگان به عزت و مخالفان به ذلت خواهند افتاد. (حاکم نیشابوری، ۳، ۱۵۵؛ سید رضی، ۴۲، ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۰، ۵۳۷) فاطمه ﷺ در سختی‌ها همراه پدر بود. در غزوه احد، هنگامی که جراحی صورت پدر را دید، ناله سر داد و خواستار شدت غضب خدا بر کسانی شد که چهره‌ی رسول خدا ﷺ را خونین کردند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱، ۱۷۹) شستن خون و درمان جراحی با خاکستر حصیر پرداخت. (بخاری، ۱۴۰۱: ۵، ۳۸)

۱ - ۲ - ۲. همسر: حضرت فاطمه ﷺ هرگاه همسرش را غمگین می‌دید، از او دلجویی می‌کرد (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۶۹؛ ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۱۴۹؛ اربلی، ۱۴۰۵: ۱، ۳۳۵)، از دوری او اظهار بی‌تابی و نگرانی می‌نمود و ابراز می‌کرد که مشتاق دیدار اوست (مفید، ۱۴۱۴: ۱، ۱۱۵) فراتر از توان همسرش، از او چیزی نمی‌خواست (کوفی، ۱۴۱۲: ۱، ۲۰۱؛ عیاشی، ۱، ۱۷۱؛ مغربی، ۱۳۸۳: ۲، ۴۰۱) و سختی‌ها، مانع مزاح کردن او با همسرش نمی‌شد. (شاذان قمی، ۱۳۸۱: ۸۰) وی اصل ایثار به همسر و فرزندان را سر لوحه رفتارش قرار داده بود؛ از این رو، هنگام سختی معیشت، با وجود گرسنگی، اندک غذای موجود را تقدیم فرزندان و همسرش می‌کرد. فاطمه ﷺ حتی هنگام مرگ نیز نگران حال همسر و فرزندان بود. از این رو، وصیت کرد علی ﷺ با خواهرزاده‌اش (امامه) ازدواج کند و افزود: «او با فرزندانم همچون من است.» (کوفی، ۱، ۲۰۱، مغربی، ۱۴۱۴: ۲، ۴۰۱؛ دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳: ۲) وی در واپسین لحظات عمر، خطاب به همسرش، دروغ‌گویی و خیانت پیشگی و مخالفت با شوهر را از خود نفی کرد و علی ﷺ نیز او را تصدیق نمود و فاطمه ﷺ را برتر از آن شمرد که به علت مخالفتش با همسر، توبیخ گردد و رنج و داغ فراق او را بسیار عظیم دانست. (فتال نیشابوری، ۱۵۱؛ دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳: ۳)

۱ - ۲ - ۳. فرزندان: حضرت فاطمه ﷺ با فرزندانش بازی می‌کرد و برای آنها اشعار کودکانه می‌خواند (ابن شهر آشوب، ۳، ۱۵۹) و خانه را کانونی گرم و محبت‌آمیز برای همسر و فرزندان کرده بود (احمد بن حنبل: ۳، ۱۵۱ - ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۵۶: ۵۱؛ دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳) و چون از نیاز فرزندان به مهر و محبت پدر و مادر کاملاً آگاه بود، به عنوان اولین وصیت به علی ﷺ از ایشان خواست که پس از او با دختر خواهرش، امامه، ازدواج کند، زیرا او همانند خود (فاطمه ﷺ) به فرزندانش مهربان می‌دانست. (فتال نیشابوری، همان، ۱۵۱؛ دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳: ۲)

جامعه:

در عرصه رفتار، انسان‌ها به الگو گرفتن از کسانی نیاز دارند که رفتارشان از حجیت و درستی برخوردار باشد و بتوان از آنان پیروی کرد. از این رو، کشف اصول اخلاقی حاکم بر رفتار معصومان علیهم‌السلام در اجتماع، مهم و مؤثر است. وی با حفظ چارچوب‌های حیورزی در جامعه حضور مؤثری داشت. آن حضرت در برخوردهای اجتماعی لایه‌های دیگری از شخصیت خود از جمله رعایت حقوق دیگران و تقدم دیگران بر خود، پرهیز از خودخواهی و خودمحوری، عدالت‌گرایی و پرهیز از ستم‌گری و ستم‌پذیری، و تلاش‌گری در دانش‌ورزی.

این صفات در زندگی اجتماعی آن حضرت نمود کرد برخی از لایه‌های سبک‌زندگی حضرت عبارتند از:

الف) رعایت حقوق دیگران، نیاززدن آنان و تلاش برای نیکی به مردم در سیره فاطمه علیها‌السلام

به روشنی دیده می‌شود. بنابر روایت ابن مسعود، فاطمه علیها‌السلام در پاسخ فردی که درخواست آموزش از تعلیم نبوی کرد، از خادمه‌اش خواست نوشته‌ای را که در بر دارنده فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خصوص اکرام به همسایگان است بیاورد و گفت که ارزش این نوشته به اندازه حسن و حسین علیهم‌السلام است. (طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۹۶؛ طبری امامی، ۱۴۱۳: ۶۶-۶۵؛ همو، ۱۴۱۵: ۱۶) یکی از انواع نیکی‌های آن حضرت به مردم در عرصه دانش و تعلیم بود. موافق روایات تاریخی، فاطمه علیها‌السلام آموخته‌های خود را از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به صورت خصوصی و عمومی، به دیگران منتقل می‌کرد. (تفسیر منسوب به امام عسگری علیه‌السلام، ۱۴۰۹: ۳۰۸، ۳۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵-۱۵۵) خدمت‌رسانی به دیگران حتی در جدیت و تقدم دعا برای دیگران تجلی کرده است. بنابر روایت امام حسن علیه‌السلام، فاطمه علیها‌السلام در عمل به این توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، شب جمعه‌ای را تا سحر به عبادت و دعا ایستاد و همواره برای دیگران، به ویژه همسایگان، دعا می‌کرد و در جواب امام حسن علیه‌السلام که پرسید: «چرا همواره برای دیگران دعا می‌کنی، نه برای خودت؟» اهمیت همسایه را یادآور شد. (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۱؛ طبری امامی، ۱۴۱۳: ۱۵۲)

ب) نرم خوئی بازیردستان و رسیدگی به محرومان: در قرآن، بر انفاق (ر.ک: بقره/ ۲۵۴، ۲۶۲-۲۶۱، ۲۶۵، ۲۶۷؛ ابراهیم/ ۳۱)، کمک به محرومان (ر. ک: ذاریات/ ۱۹؛ معارج/ ۲۵ - ۲۴) و مقدم داشتن نیازهای دیگران بر نیاز خود (ر.ک: حشر/ ۹) تأکید شده است. در سیره فاطمه علیها‌السلام نیز عمل به این توصیه‌های قرآنی آشکار است و در شأن نزول برخی آیات، ایثار و انفاق (حشر/ ۹؛ انسان/ ۸) حضرت حضور دارد. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۳۲ - ۳۳۱؛ سیوطی، ۲۹۹) در سیره حضرت، زیر دستان و خدمتکاران نباید فراتر از طاقت و توانشان مکلف به کاری شوند و مالکان

و اربابان آنان باید در انجام دادن امور، مشارکت کنند. حضرت بر آن بود که استخدام خدمتکار به معنای ایجاد فاصله طبقاتی نیست و در مقام صاحبکار، امتیاز برای خود قائل نبود؛ از این رو کارهای خانه را میان خود و خادمه‌اش، فضّه، تقسیم کرده بود. (طبری امامی، ۱۴۱۳: ۱۴۱-۱۴۰؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹: ۲، ۵۳۱-۵۳۰) علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در سه نوبت پیاپی، افطاری خود را به مسکین، یتیم و اسیر انفاق کردند، که موجب نزول سوره انسان در شأن آنان شد. (ابن عقده کوفی، ۱۸۳-۱۷۷؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۳۳۳-۳۲۹؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲، ۳۹۷-۳۹۴؛ دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳)

در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام هر سال درآمد فدک را - که به ۲۴۰۰۰ دینار می‌رسید (ابن طاووس، ۱۳۷۰: ۱۲۴) میان فقرای بنی هاشم و مهاجران و انصار تقسیم می‌کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۲۳)

ج. خدامحوری در دوستی‌ها و دشمنی‌ها: بنا بر روایات، حبّ فی الله و بغض فی الله از لوازم کمال ایمان است. (سجستانی، ۱۴۱۰: ۴۰۸؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۱۲۴) اولیای الهی در دوستی‌ها و دشمنی‌ها این ملاک را در نظر دارند؛ از این رو، در سیره حضرت فاطمه علیها السلام، محبت شدید به پدر و همسر و فرزندان، ناشی از عبودیت آنان به خدا بود و این سیره در مورد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جاری بود. فاطمه علیها السلام به سلمان فارسی - که یکی از بهترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله عهد امامت را فراموش نکرد و بدان پای‌بند بود - اظهار اشتیاق و محبت می‌کرد. براساس روایتی، امیر مؤمنان علیه السلام، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان اظهار کرد که فاطمه علیها السلام مشتاق دیدار توست. در این دیدار، فاطمه علیها السلام با اعطای تحفه‌ای بهشتی، دعای نور را به وی آموخت. (طبری امامی، ۱۴۱۵: ۱۰۸-۱۰۷)

در مقابل، فاطمه علیها السلام با کسانی که عهد الهی را زیر پا نهادند و حقوق اهل بیت علیهم السلام را پایمال کردند، با قهر و غضب برخورد می‌کرد. حضرت ملاقات با خلیفه اول و دوم را به کراهت پذیرفت، حتی سلام آنان را به اکراه و زیر لب پاسخ داد و پس از اقرار گرفتن از آنان مبنی بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را پاره تن خود خوانده و آزار او را آزار خود دانسته است، خدا را شاهد گرفت که آنان وی را آزرده‌اند و از آنان راضی نیست و نزد پدر از آنان شکایت خواهد کرد. (ابن قتیبیه دینوری، ۱۴۱۳: ۳۱)

د. عدالت‌گرایی و پرهیز از ستم کردن و ستم پذیرفتن: در سلوک اجتماعی فاطمه علیها السلام، نمونه‌های بسیاری از تلاش برای احقاق حق، جلوگیری از انحراف جامعه از جاده حقیقت و افتادن در سراسیمگی هلاک، و ظلم‌ستیزی و عدالت‌گرایی به چشم می‌خورد. در عرصه سیاسی، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام به دفاع از همسرش، امیر مؤمنان علیه السلام، در برابر تضييع حقوق ایشان

برخاست. در آغازین روزهای پس از سقیفه نیز، با ایراد خطبه‌هایی، تمام تلاش خویش را برای بیان حق و یادآوری سفارش‌های پیامبر ﷺ در مورد حقوق اهل بیت ﷺ به کار بست. (دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳)

نتیجه‌گیری

سبک‌زندگی تأثیر زیادی بر فهم دقیق‌تر مفاهیم ذهنی دارد و آنها را در قالب‌های عینی و مشخص نمایان می‌کند. سبک‌زندگی اولیای دین و معصومان ﷺ یکی از بهترین عینی‌سازی‌ها و تشخیص دادن به مفاهیم دینی است. تشخیصی سایه به سایه حقیقت بلکه همان حقیقت در زبانی دیگر است.

سبک‌زندگی فاطمه زهرا ﷺ سبکی منبعث از منابع اسلامی اعم از قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ بود. آن حضرت پس از درونی کردن این گزاره‌ها و تبدیل کردن آنها به شخصیت و هویت شخصی خود، در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و همه ابعاد اجتماعی، سبکی از زندگی را نمایان داد که مرادها‌های خدای متعال در بخش‌های مختلف را عینیت و تشخیص بخشید.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین، ۱۳۷۸ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا؛ داراحیاء الکتب العربیه.
۲. ابن‌ابی‌الدنیا، عبدالله بن محمد، بی‌تا، مکارم الاخلاق، تحقیق مجدی السید ابراهیم، القاہرہ: مکتبۃ القرآن.
۳. ابن‌بطریق، یحیی بن حسن، ۱۴۰۷ق، عمدۃ عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم: نشر اسلامی.
۴. ابن‌حاتم عاملی، یوسف‌بن‌حاتم، بی‌تا، الدر النظم، قم: نشر اسلامی.
۵. ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن‌علی، ۱۴۱۵ق، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن‌حمزه طوسی، محمد بن علی، ۱۴۱۲ق، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم: انتشارات انصاریان.
۷. ابن‌سعد، محمد بن سعد، بی‌تا، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۸. ابن‌شهر آشوب، محمدبن‌علی، ۱۳۷۶ق، مناقب آل ابی‌طالب ﷺ، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف: المکتبه الحیدریه.

۹. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، ۱۴۱۴ق، الدرر الواقعیه، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۱۰. _____، ۱۳۹۹ق، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم: مطبعه الخيام.
۱۱. _____، ۱۳۷۰ق، کشف‌المحججه لثمره المهجه، النجف الاشرف: المطبعه الحیدریه.
۱۲. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بی‌تا، بلاغات النساء، قم: مکتبه بصیرتی.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵ق، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۱۴. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، بی‌تا، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق عبدالرزاق محمد حسین فیض‌الدین؛ بی‌جا، بی‌نا.
۱۵. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، ۱۴۱۳ق، الامامه والسیاسه، تحقیق علی شیری، قم: الشریف الرضی.
۱۶. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، ۱۴۱۷ق، کامل‌الزیارات، تحقیق جواد قیومی، قم: نشر اسلامی.
۱۷. ابن مردویه اصفهانی، احمد بن موسی، ۱۴۲۴ق، مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام، تحقیق عبدالرزاق محمد حسین، قم: انتشارات دارالحديث.
۱۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق یاحقی، ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۹. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۱۴۱۰ق، سنن ابن داود، تحقیق سعید محمد لحم، بیروت: دارالفکر.
۲۰. احمد بن حنبل، شیبانی، مسند احمد بن حنبل، بی‌تا، بیروت: دار صادر.
۲۱. اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۰۵ق، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، بیروت: دارالاضواء.
۲۲. آراسته خو، محمد، ۱۳۸۱، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران: انتشارات چاپخش.
۲۳. آگ برن، ویلیام فیلدینگ، نیم کوف، مایر فرانسیس، ۱۳۸۰، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیر حسین آریانپور، تهران: نشر گستره.
۲۴. اسکافی، محمد بن همام، بی‌تا، التمحیض، قم: مدرسه الامام المهدی.
۲۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، بی‌تا، التاريخ الكبير، ترکیه: المکتبه الاسلامیه.
۲۶. _____، ۱۴۰۱ق، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.

۲۷. بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۶، المنجد الابدی (فرهنگ بجدعربی - فارسی)، ترجمه رضا مهیار، تهران: بی نا.
۲۸. بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۱۶ق، السنن الكبرى، بیروت: دارالفکر.
۲۹. _____، ۱۴۰۵ق، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، تحقیق عبدالمعطی قلجی بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۰. تفسیر منسوب به امام عسگری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، التفسیر المنسوب الی الامام العسگری علیه السلام، قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام.
۳۱. جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۰۵ق، التعریفات، تحقیق ابراهیم الیاری، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۲. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، بی تا، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت: دارالمعرفه.
۳۴. حلبی، علین برهان، ۱۴۰۰ق، السیره الحلبیه، بیروت: دارالمعرفه.
۳۵. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، ۱۴۰۱ق، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر علیهم السلام، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: انتشارات بیدار.
۳۶. خواجه نصیر طوسی، محمد بن محمد، ۱۳۶۰، اخلاق ناصری، تحقیق مینوی، حیدری، تهران: بی نا.
۳۷. خوارزمی، موفق بن احمد، ۱۴۱۱ق، المناقب، تحقیق مالک محمودی، قم: نشر اسلامی.
۳۸. دارمی، عبدالله بن رحمن، ۱۳۴۹ق، سنن الدارمی، دمشق: مطبعه الاعتدال.
۳۹. دولابی، محمد بن احمد، ۱۴۰۷ق، الذاریه الطاهره النبویه، تحقیق سید محمد جواد حسینی، قم: نشر اسلامی.
۴۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، مفردات الفاظ القرآن، بی جا: نشرالکتاب.
۴۱. راوندی، سید فضل الله بن علی، ۱۳۷۷، النوادر، تحقیق سید رضا علی عسگری، قم: انتشارات دارالحدیث.
۴۲. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جوهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۴۳. زرندی، محمد بن یوسف، ۱۳۷۷ق، نظم درالسمطین فی فضائل المصطفی والمرتضی والبتول والسبطین علیهم السلام، اصفهان: مکتب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام العامه.

۴۴. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۲ق، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسه علمی.
۴۵. زید بن علی، مسند زید بن علی، بی تا، بیروت: دار مکتبه الحیاء.
۴۶. سمهودی، علی بن احمد، ۲۰۰۶م، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۷. سیدرضی، محمد بن حسین، بی تا، المجازات النبویه، تحقیق طه محمد زینی، قم: مکتبه بصیرتی.
۴۸. سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۰۳ق، امالی، تحقیق سید محمد نعسانی، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۴۹. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۳ق، مسند فاطمه الزهراء علیها السلام، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۵۰. _____، بی تا، الدر المثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دارالمعرفه.
۵۱. شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل، ۱۳۸۱ق، الفضائل، النجف الاشرف: المطبعه الحیدریه.
۵۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ق، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۳. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۷ق، الامالی، قم: مؤسسه البعثه.
۵۴. _____، ۱۴۰۴ق، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی.
۵۵. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی.
۵۶. _____، ۱۴۱۷ق، سنن النبی صلی الله علیه و آله، تحقیق محمد هادی فقهی، قم: نشر اسلامی.
۵۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ق، المعجم الوسط، بی جا: دارالحرمین.
۵۸. _____، ۱۴۰۴ق، المعجم الكبير، تحقیق حدی سلفی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۹. طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۶ق، الاحتجاج، تحقیق محمد باقر خراسان، النجف الاشرف: دارالنعمان.
۶۰. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۹۲ق، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
۶۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۷ق، اعلام الوری، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۶۲. طبری، احمد بن عبدالله، ۱۳۵۶ق، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، القاهره: مکتبه القدسی.

۶۳. طبری، محمد بن ابی القاسم، ۱۴۲۰ق، بشاره المصطفی ﷺ لشيعه المرتضى ﷺ، تحقيق جواد قیومی، قم: نشر اسلامی.
۶۴. طبری، محمد جریر، ۱۴۱۵ق، جامع البيان عن تأویل آی القرآن، تحقيق صدقی جميل عطار، بیروت: دارالفکر.
۶۵. طبری امامی، محمد بن جریر، ۱۴۱۵ق، المسترشد فی امامه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ، تحقيق احمد محمودی، بی جا: مؤسسه فرهنگ اسلامی کوشانپور.
۶۶. _____، ۱۴۱۳ق، دلائل الامامه، قم: مؤسسه البعثة.
۶۷. طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸ق، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسینی، تهران: دفتر نشر اسلامی.
۶۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، تحقيق مؤسسه البعثة، قم: دارالثقافه.
۶۹. _____، ۱۳۶۴، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۰. عاملی نباطی، علی بن یونس، ۱۳۸۴ق، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، تحقيق محمد باقر بهبودی، بی جا: المکتبه المرتضویه.
۷۱. عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، تفسیر العیاشی، تحقيق سيد هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
۷۲. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی تا، روضه الواعظین، قم: الشریف الرضی.
۷۳. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، ۱۴۰۹ق، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه الامام المهدي ﷺ.
۷۴. کوفی، محمد بن سلیمان، ۱۴۱۲ق، مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ، تحقيق محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، الکافی، تحقيق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۶. متقی هندی، علی، ۱۴۰۹ق، کنز العمال فی سنن القوال والافعال، تحقيق بکری حیانی، صفوه السقا، بیروت: مؤسسه الرساله.
۷۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، تحقيق محمد باقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۸. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، بی تا، شرح احقاق الحق، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۷۹. مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج، بی تا، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.

۸۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۷، دروس فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات اطلاعات.
۸۱. معزی ملایری، اسماعیل، ۱۳۹۹ق، جامع احادیث الشیعه، قم: المطبعه العلمیه.
۸۲. مغربی، قاضی نعمان بن محمد تمیمی، ۱۳۸۳ق، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، القاهره: دارالمعارف.
۸۳. _____، ۱۴۱۴ق، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار علیهم السلام، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم: نشر اسلامی.
۸۴. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل بیت علیهم السلام لتحقیق التراث، بیروت: دارالمفید.
۸۵. _____، ۱۴۱۴ق، المزار (مناسک المزار)، تحقیق سید محمد باقر ابطحی، بیروت: دارالمفید.
۸۶. مناوی، محمد بن علیم، ۱۴۱۰ق، التعاریف، تحقیق محمد رضوان الدایه، بیروت: دارالفکر.
۸۷. هلالی عامری، سلیم بن قیس، ۱۴۲۰ق، کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری، قم: نشر الهادی.
۸۸. هیشمی، علی بن ابی بکر، ۱۴۰۸ق، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.